

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين
و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و آله الطاهرين

از رویا تا چشم انداز

راهنمای گام به گام مبسوط و اجرای چشم انداز فردی

مرضیه فخرایی

د. ششاسه	فخرایی، مرضیه، ۱۳۴۴ -
خوان و نام پدیدآور	از رویا تا چشم‌انداز: راهنمای گام به گام تدوین و اجرای چشم‌انداز فردی/مرضیه فخرایی.
مشخصات نشر	تهران: آینده‌پژوه، ۱۳۹۳.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۲۶۵-۰۶-۲ ریال: ۱۲۰۰۰۰
هرس و ریس	فیبا
عنوان دیگر	راهنمای گام به گام تدوین و اجرای چشم‌انداز فردی.
موضوع	آینده‌پژوهی - روش‌شناسی
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۳ ۴ الف ۳ / ۵۸ C
رده‌بندی دیویی	۰۰۳
کتابشناسی ملی	۳۵ ۱۳



نشر آینده‌پژوه

عنوان کتاب: از رویا تا چشم‌انداز: راهنمای گام به گام تدوین و اجرای چشم‌انداز فردی

نویسنده: مرضیه فخرایی

ویراستار: کرم کارگر

طراح جلد: مهدی ملکی‌فر

ناشر: آینده‌پژوه

نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۳۹۳، ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۶۵-۰۶-۲

این کتاب با حمایت دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - نمایندگی تهران، مرکز تحقیقات سازمان صدا و سیما و مرکز آموزش سازمان صدا و سیما به چاپ رسیده است. برای تهیه این کتاب با تلفن ۸۸۰۰۰۴۲۱ و ۰۹۱۲۵۳۸۷۸۴۷ تماس بگیرید.

به رغم حساسیتی که طی سال‌های اخیر نسبت به مقوله چشم‌انداز در کشور ایجاد شده است، این شاید نخستین کتاب کاربردی در زمینه چشم‌انداز فردی و فرایند تدوین آن برای مخاطبان فارسی‌زبان باشد.

تدوین چشم‌انداز فردی از مهم‌ترین تکنیک‌های آینده‌پژوهی فردی است که به افراد کمک می‌کند تا با شیوه‌ای کاملاً علمی، تصویری خیالی و در عین حال واقع‌بینانه از آینده خود ترسیم کنند و با برنامه‌ریزی درست و منطقی به سوی آن گام بردارند. چشم‌انداز تنها یک رویا نیست، واقعیتی خشک و بی‌روح هم نیست. چشم‌انداز ترکیبی از رویا و واقعیت است. چشم‌انداز هر کس ریشه در رویای او دارد و به همین خاطر مسیر دشوار و پر پیچ و خم تدوین چشم‌انداز با کشف رویای درونی آغاز می‌شود.

چشم‌انداز با همان ادبیات علمی که در آینده‌پژوهی به آن پرداخته می‌شود، بصیرتی ژرف است که بدون حضور آن هیچ کار بزرگ و ارزشمندی، به ثمر نمی‌نشیند. چشم‌انداز فردی، مقدمه و لازمه چشم‌اندازهای جمعی مانند چشم‌انداز خانوادگی،

سازمانی یا ملی است. تنها فردی که دارای چشم‌اندازی روشن و متعالی است، می‌تواند به عنوان رهبری بصیر و قدرتمند، خانواده، سازمان یا جامعه خود را به سوی آینده بهتر رهنمون شود.

جامعه امروز به شدت نیازمند چشم‌انداز است. مدیران ما، جوانان ما و تک تک احاد جامعه ما، نیاز به چشم‌اندازی روشن و مکتوب دارند تا بتوانند هم آینده مطلوب خود را ارزیابی کنند و هم دست در دست هم در تحقق چشم‌انداز کشور نقشی درخور ایفا نمایند. در واقع در یک جامعه شایسته و سرآمد همه مردم به عنوان "شهروندانی پاسخگو" مسئول در مقابل جامعه، به فراخور قابلیت‌های شخصی و نیز علاقه‌ای که به اصلاح جامعه خود دارند، چشم‌اندازهای فردی مشخصی دارند که سرنوشت و آینده‌شان را با سرنوشت و آینده کشورشان پیوند می‌زند.

در همین راستا، جامعه و پژوهش در زمینه چشم‌انداز فردی با اتکا بر منابع علمی به‌روز و معتبر، و هر تلاشی برای معرفی آن با بیانی ساده و کاربردی، رسالتی کلیدی برای همه کسانی است که به هر نحوی می‌توانند گامی در این زمینه بردارند.



پیشگفتار ۵/

۱. رویای شما چیست؟ ۷/۹

۲. از رویا تا چشم‌انداز: راهی بسیار دشوار ۱۱/۱۰

۳. درباره این کتاب ۱۲/

۴. تقدیر و تشکر ۱۵/

بخش ۱. چشم‌انداز چیست؟ ۱۷/۹

فصل ۱. مفهوم چشم‌انداز ۱۹/

۱. تعریف اولیه چشم‌انداز ۱۹/

۲. ارتباط میان رویا و چشم‌انداز ۲۱/

۳. ارتباط میان آرمان و چشم‌انداز ۲۲/

۴. ویژگی‌های چشم‌انداز ۲۴/

فصل ۲. چشم‌انداز از نگاه آینده‌پژوهان ۳۳/

۱. تعریف آینده‌پژوهی ۳۴/

۲. تعریف چشم‌انداز و تکنیک چشم‌اندازپردازی ۴۱/

فصل ۳. مؤلفه‌های چشم‌انداز/۴۵

۱. چشم‌انداز یا تصویری از آینده مطلوب/۴۶
۲. مأموریت/۴۸
۳. ارزش‌ها/۵۰

بخش ۲. چگونه چشم‌انداز خود را بنویسم؟/۵۷

- فصل ۴. شناخت خود (سفر به درون)/۵۹
 ۱. سفر وره‌ها و ارزش‌ها و پارادایم‌ها/۶۰
 ۲. کشف مبانی درونی/۶۹
 ۳. شفاف‌سازی و رتبه‌بندی ارزش‌ها/۷۳
 ۴. شناخت ویژگی‌های شخصی/۷۷
 ۵. کشف مأموریت/۸۱
 ۶. جمع‌بندی/۸۱

فصل ۵. شناخت دنیای پیرامون/۸۱

۱. شناخت دنیای پیچیده امروز/۸۴
۲. شناخت دنیای پر رمز و راز فردا/۸۵

بخش ۳. چگونه چشم‌انداز خود را تحقق بخشم؟/۹۵

- فصل ۶. تبدیل چشم‌انداز به اهداف و راهبردها/۹۷
 ۱. اجرای چشم‌انداز/۹۸
 ۲. کنترل و ارزیابی چشم‌انداز/۱۰۱
- فصل ۷. اصول تحقق چشم‌انداز/۱۰۳
- منابع/۱۰۹

پیشگفتار



توانایی "رویاپردازی" بزرگ‌ترین قدرت روی زمین است ... به
وجب این توانایی، بشر قدرت می‌یابد تا فراتر از وضع موجود
و آنچه را که هست آرزو کند ... درست گفته‌اند که در این دنیا
درتر انسان کسی است که رویایی ندارد.

دکتر مایلس مونرو [۱]

پانزده سال پیش را خوب به خاطر دارم؛ اواخر سال ۱۹۷۹. حدود شش ماه بود که از
شغل قبلی‌ام استعفا داده و بیکار بودم و بیشتر اوقاتم را به تحقیق و مراقبت از
دختر ۶ ساله‌ام سپری می‌کردم. در آن زمان و در حالتی از ناامیدی، پیش خود فکر
می‌کردم آیا می‌توانم شغل مناسبی برای خود پیدا کنم؛ شغلی که من را به هیبه و
توانایی‌های من سازگار باشد؟

در همان موقع بود که با معرفی همسرم به یک پژوهشکده کوچک قدم گذاشتم. آنجا
در واقع اتاق فکر^۱ کوچکی بود که در حوزه مدیریت و سیاستگذاری، تحقیق و مطالعه
می‌کرد. به محض ورودم به این پژوهشکده و دیدن حال و هوای آنجا، حس عجیبی
به من دست داد. محیط ساده و صمیمانه و همین‌طور پروژه‌های تحقیقاتی آنجا به

روحیه و خواسته‌های حرفه‌ای من بسیار نزدیک بود. به یکباره وجودم سراسر شوق و امیدواری شد و در عالم خیال و رویا فرو رفتم. در رویا خود را در آینده‌ای دور تصور می‌کردم؛ گویی به یک سفر زمانی دور و دراز رفته بودم. تصویری که در عالم خیال و رویا می‌دیدم، موقعیت شغلی مرا در ۲۰ سال آینده مجسم می‌کرد و به طرز شگفت‌آوری مطابق با عمیق‌ترین خواسته‌ها و آرزوهای من بود. این تصویر آنقدر زیبا، عین و جذاب بود که مرا مسحور خود می‌کرد. آنچه در این رویا برایم از همه چیز بگفت‌آورده بود، شرایط کاری، یا موقعیت شغلی‌ام نبود، بلکه شخصیت و رفتار و منش خود بود. آن شخصیت رویایی گویی همان خود واقعی یا خود ایده‌آل من بود؛ شخصیتی که گویی درون من محبوس شده و تقلا می‌کرد تا خود را برهاند. این "خود واقعی" به آن روز می‌رسد و یا حتی امروز هستم، تفاوتی بسیار عمیق داشت. این تصویر به من بسیار نزدیک بود، گویی در همان لحظه وجود داشت. دنیایی که در خیال خود می‌دیدم، انکار واقعی تر دنیایی بود که در آن زندگی می‌کردم. دیدن این رویا مرا در فکر فرو می‌برد. هر تناقضی که جیب شده بودم و پیش خود می‌گفتم: "مگر می‌شود من روزی به چنین فردی تبدیل شوم؟ شخصی تا آن حد توانمند، تأثیرگذار و شایسته؟"

تصور عمیقی که در آن روز و در آن شرایط منی خام دیدم - نامش را هر چه بگذاریم - "خیال"، "رویا"، "شهود" و یا حتی "توهم" دیگر هرگز به آن شکل تکرار نشد. آن تصویر تا امروز که این کتاب را می‌نویسم، هنوز منی یافته و حسرتی ژرف را در وجود من باقی گذاشته است.

پیش خود می‌اندیشم اگر در آن زمان با معنای چشم‌انداز^۱ به مفهوم علمی آن آشنا بودم و می‌توانستم از آن رویا که از عمیق‌ترین لایه‌های درونی‌ام می‌جوشید، به یک چشم‌انداز درست، منطقی و واقع‌بینانه دست یابم، شاید امروز به رویایم نزدیک‌تر بودم. شاید امروز در جایی ایستاده بودم که باید می‌ایستادم و به کسی تبدیل شده بودم که باید تبدیل می‌شدم.

بگذریم. من در آن پژوهشکده کوچک مشغول به کار شدم و همراه با همکارانم به تدریج با دانش آینده‌پژوهی^۱ که در آن زمان دانشی نو محسوب می‌شد، آشنا شدیم و پس از آن مطالعاتی را در زمینه "چشم‌اندازپردازی"^۲ به عنوان یکی از تکنیک‌های مهم "آینده‌پژوهی هنجاری"^۳ آغاز کردیم. ثمره این پژوهش‌ها، مقالات و کتاب‌هایی بودند که در این حوزه به رشته تحریر درآمد و این کتاب هم یکی از نتایج این پژوهش‌ها محسوب می‌شود.

۱. رویای آینده‌پژوهی

شما چطور؟ آیا تجربه‌هایی داشته‌اید؟ آیا تا به حال در عالم خیال و رویا، به دنیای آینده سفر کرده‌اید؟ کم نیستند کسانی که در مقطعی از زندگی خود بخصوص در کودکی یا جوانی، به رویاهای خود اندیشیده‌اند و در عالم خیال خود در دنیای متفاوتی دیده‌اند؛ دنیایی زیبا و شوق‌انگیز که از عمق وجود خود حواس رسیدن به آن بودند. در میان اینها، کسانی هستند که رویایشان را باور دارند و پیش خود فکر می‌کنند که رسیدن به این رویا غیرممکن است؛ شاید همین دلیل آنکه تفاوت زیادی با واقعیت دارد. اینها پیش خود می‌گویند: "رسیدن به این رویا ممکن نیست" و به این ترتیب رویاهای خود را به فراموشی می‌سپارند.

تعدادی هم هستند که رویای خود را باور می‌کنند، اما خود را باور ندارند، آنها توانایی‌ها و استعدادهای بالقوه خود را نمی‌شناسند. این افراد هم پیش خود می‌گویند: "من هرگز نمی‌توانم به این رویا برسم" و به این ترتیب دست از دنبال کردن رویاهایشان برمی‌دارند. از میان همه کسانی که رویاهایی در سر دارند، تنها تعداد اندکی هستند که رویاهای خود را باور می‌کنند و آن را با دیگران در میان می‌گذارند که البته معمولاً با برخورد‌های منفی و یأس‌آور روبرو می‌شوند. با

1. futures studies
2. visioning
3. normative futures studies

گفته‌هایی این‌چنین: "ول کن، زندگی رویا و خیال نیست، از عالم هیروت بیرون بیا و واقعیت را ببین."

تعداد اندکی هم که جرأت می‌کنند تا دست به اقدام بزنند و به سمت رویاهای خود گام بردارند، با مشکلات زیادی روبرو می‌شوند. اغلب این افراد به دلیل نداشتن شناخت کافی از خود و محیط پیرامون و یا نداشتن یک برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری درست، دچار شکست می‌شوند و نمی‌توانند رویای خود را محقق سازند.

در میان همه این افراد، تنها تعداد بسیار بسیار اندکی هستند که می‌توانند در مسیر درست تحقق رویای خود گام بردارند و البته همین‌ها با وجود اندک بودن تعدادشان، تأثیراتی بسیار عظیم و پایدار در محیط پیرامون خود بر جای می‌گذارند. دقیقاً همین تعداد اندک بودند که جهان امروز ما را ساخته‌اند. جان استوارت میل گفته: "[۲]

نیروی یک نفر که چشم‌پوشی و روشنی دارد، بیش از نیروی انفعالی ۹۹ نفری است که چشم‌انداز دارند و فقط آرزو می‌کنند به جایی برسند یا کاری انجام دهند

دقت کنید. آیا تأسف بار نیست که اغلب انسان‌ها رویایی والا و ارزشمند در سر دارند و تنها تعداد ناچیزی از آنها رویای خود را محقق می‌آورند؟

برای یک لحظه تصور کنید اگر همه آدم‌ها می‌توانستند رویای خود را تحقق بخشند، چه تحولات شگرف و امیدبخشی در جهان روی می‌داد؟

شما چطور؟ شاید شما هم که این کتاب را در دست دارید، زنگاری رویایی داشته‌اید؟ شاید رویای شما هم عملی نشده است و به خاطر این، موانع پیش خود و دیگران قرار گرفته‌اید. شاید هم خسته و ناامید شده‌اید و فکر می‌کنید دنبال کردن

روایاها کار بیهوده‌ای است؟ یا توانایی رسیدن به رویاتان را ندارید؟

انتخاب با شماست. می‌توانید در این افکار منفی باقی بمانید و یا با دیدی منطقی و واقع‌بینانه به قضیه نگاه کنید و دلیل این ناکامی‌ها را در ناآگاهی، نداشتن شناخت کافی و عملکرد نادرست خود بجوید و تلاش کنید دوباره و با نگاهی نو و اراده‌ای مصمم و این بار به شیوه‌ای علمی و منطقی رویای خود را دنبال کنید.

اگر تصمیم و اراده جدیدی برای دنبال کردن رویایتان در خود می‌بینید، یک گام به جلو بردارید و به پرسش‌های زیر صادقانه پاسخ دهید تا بدانید آیا زمان پرداختن به رویایتان فرا رسیده است یا نه؟

آیا فکر می‌کنید:

- زندگی کنونی شما با آنچه همیشه آرزویش را داشتید، فرسنگ‌ها فاصله دارد؟
- رویای زیاده‌بلند دارید که با همه وجود می‌خواهید به آن دست یابید؟
- آنچه اکنون هستید، آن چیزی نیست که می‌توانید و یا باید باشید؟
- استعدادها و توانایی‌های شما برای کارهایی که هنوز راهی برای بروز آنها نیافته‌اید؟
- در صحنه نمایش دنیا نقش ویژه‌ای به شما سپرده شده که هنوز آن را بازی نکرده‌اید؟
- مسیری که اکنون در حرکت می‌کنید، شما را به سوی آینده مطلوب رهسپار نمی‌کند؟
- هنوز آرمان بلند زندگی خود را نیافته‌اید و دارید عمر خود را بیهوده تلف می‌کنید؟
- از هدف‌گذاری‌ها و اقدامات کوتاه‌مدت خسته شده‌اید و می‌خواهید برای کل زندگی‌تان تصمیم بگیرید

اگر پاسخ شما به همه این پرسش‌ها، منفی است. همینجا کتاب را به دست کنار بگذارید. چون شما به رویا و چشم‌انداز نیاز ندارید و یا اینکه نیاز دارید، اما این نیاز را هنوز درک نکرده‌اید. در هر حال تا زمانی که نیاز و عطش به چشم‌انداز نداشته باشیم، نمی‌توانیم محکم و با اراده به سمت آن حرکت کنیم. اما اگر پاسخ شما به برخی از این پرسش‌ها، آری است، توصیه می‌کنیم ادامه مطلب را بخوانید.

۲. از رویا تا چشم‌انداز: راهی بسیار دشوار

اگر شوق و انگیزه لازم را برای دنبال کردن رویاهایتان دارید و می‌خواهید رویای خود را به یک چشم‌انداز متعالی و پرشکوه تبدیل کنید، باید به چند نکته مهم توجه کنید. زمان آن است که از آسمان رویاها به سرزمین واقعیت‌ها فرود آیید و همین‌جاست که کار مشکل می‌شود. نخستین نکته مهم این است که تبدیل رویا به چشم‌انداز، کاری بسیار دشوار و پرچالش است. شما راه زیادی در پیش دارید؛ راهی پر پیچ و خم. اگر کسی شما گفت که موفقیت نزدیک و در چند قدمی است و به‌سادگی می‌توانیم به آن دست یابیم، باید دو تا پای اضافه هم قرض کنیم و از او دور شویم. این آموزه‌ها را از سخن سعدی بزرگ را آویزه گوش کنید که:

نابرده رنج‌گر می‌رود نمی‌شود / مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

رویایی که به آن دل بسته‌اید، عمق درون، احساس و قوه تخیل شما نشأت می‌گیرد، اما چشم‌انداز علاوه بر تصور خیالی و احساس، بر مؤلفه منطق و دانش هم استوار است. برای تدوین یک چشم‌انداز درست و اثربخش باید به دو شناخت اساسی برسیم. اول شناخت خودمان و بعد شناخت دنیای پیرامونمان. برای شناخت خودمان باید تلاش کنیم رویاها، آرزوها، و خواسته‌های درونی را در یک سو، و ارزش‌ها، باورها و پیش‌ذهنیت‌های خود را از سوی دیگر، به درستی بشناسیم و شفاف کنیم.

خودشناسی فرایندی سخت و پیچیده است؛ فرایندی که در تمام طول زندگی ادامه دارد و ما هر چه بیشتر تجربه می‌کنیم و یاد می‌گیریم و هر چه بیشتر با پستی و بلندی‌های واقعی زندگی روبرو می‌شویم، بیشتر و بهتر خود را می‌شناسیم. فرایند خودشناسی همیشه و در طول زندگی ادامه دارد، ولی در هر حال شما نیاز به تدوین چشم‌اندازتان باید به یک خودشناسی نسبی رسیده باشید و ارزش‌ها و خواسته‌هایتان را برای خود شفاف و اولویت‌بندی کرده باشید. هرگونه ابهامی در شناخت ارزش‌ها و خواسته‌های واقعی و درونی شما، باعث ابهام در چشم‌انداز شما می‌شود.

در مرحله دوم شما باید دنیای پیرامون خود، یعنی جامعه خود را تا حدودی بشناسید و شرایط حاکم بر آن را خوب درک کنید. مسلم است که اگر با شناخت کافی از

خودتان چشم‌اندازی را بنویسید؛ حتی بهترین چشم‌انداز را، اگر این چشم‌انداز با دنیای واقعی سازگار نباشد، امکان تحقق آن بسیار اندک خواهد بود.

دومین نکته مهمی که باید به آن توجه داشته باشیم، ارزش و اهمیت چشم‌انداز است. چشم‌انداز برنامه و هدفی غایی برای کل زندگی شماست و هدفی کوتاه‌مدت و مقدماتی نیست. اشتباه در هدف‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت می‌تواند تا مدت‌ها قابل جبران باشد، ولی اشتباه در تدوین و اجرای چشم‌انداز برای شما گران تمام می‌شود؛ به‌همین جهت باید از دست دادن گوهر گرانبهای عمرتان، پس از چشم‌انداز نمی‌توان سرسری گرفت. باید وقت و انرژی کافی را برای تدوین چشم‌انداز اختصاص دهید و برای آن به‌کار کافی هزینه کنید. تدوین چشم‌انداز با عجله و با نگاه سرسری ممکن نیست و سرسری می‌شما نخواهد داشت.

سومین نکته مهم این است که شما برای تدوین چشم‌انداز خود می‌توانید و باید با افراد صاحب‌نظر مشورت کنید. کتاب‌ها، مقالات زیادی را بخوانید و یا به سایت‌های مختلف سرزنید، اما یادتان باشد که در نهایت این فقط خود شما هستید که باید چشم‌اندازتان را بنویسید. دیگران می‌توانند در نوشتن چشم‌انداز به شما کمک کنند و مشاوره بدهند، اما هیچکس جز خود شما نمی‌تواند چشم‌اندازتان را بنویسد.

یادتان باشد شما می‌توانید با خواندن چشم‌اندازها دیگران را آنها الگو بگیرید، ولی نباید چشم‌انداز خود را از کسی تقلید کنید. هیچ دو اندکی از نظر بزرگی‌های درونی و شرایط محیط بیرونی (خانواده و جامعه) مانند هم نیستند؛ برای هر دو انسانی نمی‌تواند و نباید چشم‌اندازهای مشابهی داشته باشند. چشم‌اندازها منحصر به فرد و خاص خود شماست و نمی‌توانید آن را از دیگران تقلید کنید.

آخرین نکته‌ای که باید به آن توجه شود، نقش چشم‌انداز در زندگی ماست. چشم‌انداز به زندگی ما جهت‌گیری درست می‌دهد و ما را در مسیر درست قرار می‌دهد؛ آن مسیری که به اعتقاد اندیشمندان دینی و مذهبی، صراط مستقیم زندگی ماست. چشم‌انداز قدم به قدم ما را جلو می‌برد، به ما انگیزه و الهام می‌بخشد و ما را به خودمان و در واقع به خدا نزدیک و نزدیک‌تر می‌کند. یک چشم‌انداز خوب همه تصمیم‌ها و اقدامات ما را در جهت و مسیر درست هدایت می‌کند، به ما قدرت

می‌بخشد و زندگی ما را متعالی می‌سازد. از رویا تا چشم‌انداز مسیری طولانی و پر پیچ و خم و در عین حال لذت‌بخش است که در هر گام از آن بخشی از وجود خود را کشف می‌کنید و از این کشف سرمست می‌شوید.

آنچه در نهایت و پس از حرکت به سمت چشم‌انداز خواهیم آموخت این است که تنها رسیدن به چشم‌انداز، هدف نیست، هدف اصلی طی مسیر درست است و همین قرار گرفتن در مسیر درست است که ما را روز به روز شکوفاتر و متعالی‌تر می‌کند. شاید این امر از آموزه زیبای دینی ما می‌جوشد. آموزه‌ای که می‌گوید ما مأمور به ادای تکلیف هستیم، ملزم به گرفتن نتیجه. نتیجه‌گیری و رسیدن را در نهایت، می‌توان به پروردگار سپرد.

۳. درباره این کتاب

بحث اصلی این کتاب تدوین چشم‌انداز فردی به عنوان تکنیکی مهم در آینده‌پژوهی فردی است و هدف کتاب کمک به تک تک افراد برای کشف و تدوین چشم‌انداز خود و تلاش برای تحقق آن است. برای نگارش این کتاب، از منابع متعددی بهره گرفته‌ام که مهم‌ترین آنها کتاب "قدرت چشم‌انداز" [۱] نوشته دکتر مایلس مونرو است که در ابتدای پیشگفتار به سخن نغزی از او اشاره شده است. این نخستین کتابی بود که در سال ۱۳۸۵ در زمینه "چشم‌انداز فردی" مطالعه و در همان زمان، ایده نوشتن کتابی در زمینه چشم‌انداز در ذهنم شکل گرفت.

کتاب مونرو، کتابی برانگیزاننده و زیبا درباره چشم‌انداز فردی است. شاید زیبایی این کتاب به خاطر آن باشد که سخنان آن از ژرفای وجود انسانی معتقد به متعالی برمی‌خیزد؛ کسی که به واسطه تجارب شخصی‌اش در زندگی به مفهوم چشم‌انداز رسیده و عمر خود را صرف گسترش این مفهوم در میان مردم کرده است.^۲

1. individual vision

۲. دکتر مونرو یک مسیحی معتقد است و در جای‌جای کتاب خود به آیات انجیل اشاره می‌کند. ما زمانی در نظر داشتیم ترجمه این کتاب را بومی‌سازی کنیم و به جای آیات انجیل از آیات قرآن مجید و روایات در آن استفاده کنیم که متأسفانه میسر نشد. مسلماً اگر کسی بتواند این مهم را بر عهده گیرد، اثری ارزشمند و تأثیرگذار به جامعه اسلامی ارائه خواهد شد.

پس از این کتاب سعی کردم به کتاب‌های علمی‌تر رجوع کنم که به مفهوم علمی و کاربردی چشم‌انداز توجه دارند. مفهوم علمی "چشم‌انداز" از دانش "آینده‌پژوهی" سرچشمه می‌گیرد؛ دانش نوینی که بیش از چند دهه نیست که در کشور ما مطرح شده و بنابراین منابع محدود و معدودی درباره آن وجود دارد. بسیاری از منابع آینده‌پژوهی که به بحث چشم‌انداز می‌پردازند، به چشم‌اندازهای جمعی مانند "چشم‌انداز سازمانی" می‌پردازند و نه "چشم‌انداز فردی" ولی در هر حال خواندن آنها برای دستیابی به مفهوم کلی چشم‌انداز و مؤلفه‌های آن می‌تواند مفید باشد.

کتاب راهنمای تدوین چشم‌انداز [۴] مباحث جالبی درباره چشم‌انداز و با تأکید بر چشم‌انداز سرگرمی دانش از این دو کتاب هم بهره گرفته و بارها به آنها استناد کرده‌ام. کتاب "سازمان برای موفقیت" [۵] و "پنجمین فرمان" [۶] هم به نوعی به مفهوم و مؤلفه‌های چشم‌انداز سازمانی پرداخته‌اند. در نهایت، فصل چشم‌انداز کتاب "آینده‌پژوهی و هنر آینده‌گرا" [۲] آشنایی با ایده چشم‌انداز مرا یاری داد و انگیزه مرا برای نگارش این کتاب محکم کرد.

این کتاب سه بخش اساسی دارد. هفت بخش اول آشنایی با مفاهیم اولیه و بنیادی در حوزه چشم‌انداز است. فصل اول تعریف کلی چشم‌انداز و ویژگی‌های آن را ارائه می‌دهد. در فصل دوم با نگاهی دقیق‌تر به این حوزه می‌پردازیم و تعاریف دقیقی از آینده‌پژوهی و چشم‌انداز ارائه می‌شود. فصل سوم هم به تشریح مؤلفه‌های چشم‌انداز اختصاص دارد. با مطالعه این بخش خوانندگان عزیزم نسبتاً دقیق از چشم‌انداز فردی به دست می‌آورند.

در بخش دوم کتاب، نحوه تدوین چشم‌انداز فردی آموزش داده می‌شود و در بخش این بخش شما را به یک سفر درونی می‌برد؛ سفر به عمق وجودتان؛ تا عمیق‌ترین خواسته‌ها، ارزش‌ها و باورهای خود را کشف، شفاف‌سازی و اولویت‌بندی کنید. با مطالعه این فصل، باورها و پیش‌ذهنیت‌های خود را شفاف می‌کنید و آن دسته از پیش‌ذهنیت‌هایی را که مانع تحقق چشم‌انداز هستند، دور می‌ریزید. در این فصل همچنین نظام ارزشی درست و واقعی خود را کشف می‌کنید و می‌نویسید و روایی

خود را به طور شفاف ترسیم و توصیف می‌کنید. در انتهای این فصل در واقع پیش‌نویس اولیه چشم‌انداز شما آماده می‌شود.

در ادامه و در فصل پنجم شما از دنیای درون خود بیرون می‌آید و به یک سفر بیرونی می‌روید؛ به دنیای واقعیت‌های موجود جامعه و محیط اطراف. در این فصل شما مبحث آینده‌پژوهی فردی را به طور موقت کنار می‌گذارید و به مطالعه آینده جامعه و دنیا می‌پردازید تا دریابید کدام بخش از چشم‌انداز فردی که برای خود رسته‌اید، با واقعیت‌های دنیای امروز و آینده مطابقت دارد. با شناخت این واقعیت‌ها، می‌توانید پیش‌نویس اولیه چشم‌انداز خود را اصلاح کنید تا در نهایت به یک چشم‌انداز درست واقع‌بینانه برسید.

در بخش سوم می‌توانید بیانیه چشم‌انداز خود را به یک مجموعه اهداف بزرگ، سیاست‌ها و برنامه‌های عملی، ترجمه و تفسیر کنید و در مسیر تحقق آن گام بردارید. در این بخش شرایط تحقق چشم‌انداز و موانع آن به بحث گذاشته می‌شود. الگویی که در این دو بخش مطرح می‌شود، الگویی است که در "مدیریت راهبردی"^۱ است که می‌توانید آن را در قالب کتاب‌های مرتبط از جمله کتاب "مبانی مدیریت استراتژیک"^[۷] پیدا کنید.

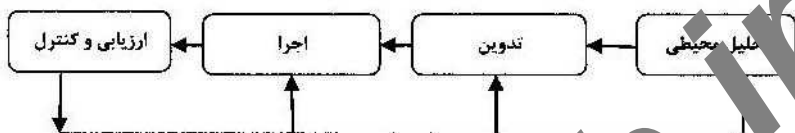
در این الگو، "مدیریت چشم‌انداز"^۲ مانند "مدیریت استراتژیک"، یک فرایند چهار مرحله‌ای فرض شده است. مرحله اول تحلیل معنای است که در آن اطلاعات و دانش لازم برای تدوین چشم‌انداز گردآوری می‌شود؛ اطلاعاتی هم درباره خود و هم محیط پیرامونتان. تدوین چشم‌انداز و اجرا و ارزیابی آن در مراحل بعدی قرار می‌گیرند (شکل ۱).

همانطور که در شکل می‌بینید، تدوین چشم‌انداز یک "پروژه" نیست، که فقط یک بار انجام شود، بلکه فرآیندی است که باید استمرار داشته باشد. به زبان ساده، چشم‌انداز شما وحی منزل نیست که نتوانید آن را تغییر دهید. در هر مرحله از اجرای چشم‌انداز و بازبینی آن می‌توانید بیانیه چشم‌انداز خود را اصلاح کنید. البته معمولا

1. strategic management

2. management of vision

تغییر در نحوه بیان و جزئیات صورت می‌گیرد و به‌ندرت شالوده و اساس چشم‌انداز تغییر می‌کند، مگر آنکه خود شما تحول اساسی کرده باشید یا شرایط کاملاً دگرگون شده باشد و یا دریابید که در تدوین چشم‌انداز خود دچار اشتباه اساسی شده‌اید.



شکل ۱. فرایند مدیریت چشم‌انداز

۴. تقدیر و تشکر

در اینجا لازم می‌دانم از استاد ارجمندم آقای عقیل ملکی‌فر تشکر و قدردانی نمایم. تشویق‌ها و راهنمایی‌های ایشان موجب زیادی در نگارش این کتاب داشته است. همچنین از خانم اکرم کارگر درست و توانمند ارجمندم که کار ویراستاری و نمونه‌خوانی دقیق کتاب را انجام دادند، نیز صمیمانه سپاسگزارم.

امیدوارم این کتاب سرخ‌های اولیه را برای تدوین چشم‌انداز به شما ارائه دهد و بتوانید نخستین گام‌ها را به سمت تدوین چشم‌انداز یک زندگی خود بردارید.

این کتاب شاید نخستین کتابی باشد که در زمینه چشم‌انداز فردی به زبان فارسی منتشر شده است. این مبحث هنوز جدید و قابل بحث است. لذا نوشتن آن حال‌خواهم شد اگر صاحب‌نظران و پژوهشگران علاقه‌مند به این حوزه، نظرات اصلاحی خود را مطرح نمایند تا در ویرایش‌های بعدی کتاب به نام خودشان مورد استفاده قرار گیرد.

مرضیه فخرایی

بهار ۱۳۹۳